

## گونه‌شناسی عملکرد صحابه در دفاع از امیرمؤمنان علیه السلام در دوران پسانبوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

علیرضا بابائی\*

### چکیده

گونه‌شناسی عملکرد صحابه در دفاع از امیرمؤمنان علیه السلام در دوران پسانبوی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با توجه به گستردگی تعداد آنان و همچنین شناخت شخصیت‌های علمی، سیاسی و اجتماعی آنان در بستر تاریخ، امری قابل توجه است. عملکرد آنان با توجه به جایگاه‌شان امری مهم و ضروری است. عملکرد صحابه در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن امری مهم است. گونه‌ای از عملکرد آنان در قالب اعتقادی - فرهنگی بوده است و برای امامت و خلافت حق امیرالمؤمنین علیه السلام، استدلال به برتری آن حضرت کرده‌اند. گونه دیگری از عملکرد صحابه، عملکرد اجتماعی - اقتصادی بوده است که بصیرت‌افزایی در جامعه و تبلیغ چهره به چهره آنان در دفاع از آن حضرت بوده است. گونه دیگری از عملکرد آنان، گونه سیاسی بوده است که به تبلیغ چهره به چهره آنان در دفاع از آن حضرت بوده است. رهاورد این تحقیق بیان این نکته است که صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله علیرغم فراموشی بسیاری از وصیت‌های آن حضرت، برخی عملکرد مثبت در دفاع از حضرت علی علیه السلام داشته‌اند. روش تحقیق این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: حضرت علی علیه السلام، صحابه، عملکرد صحابه، عصر سفیانی.

## مقدمه

اقدام یاران رسول خدا ﷺ در شکل‌گیری تاریخ اسلام در دوران نبوی و پس از آن امری غیرقابل انکار و حائز اهمیت است. عملکرد صحابه در طول تاریخ دربرگیرنده آثاری است که دست‌یابی به رفتار و گفتار آنان مبتنی بر مطالعه دقیق تاریخ اسلام است. از این رو خوانش کارکرد صحابه به‌عنوان کنشگران تاریخی در این دوره برای کشف نقش‌آفرینی و میزان تأثیرگذاری آنان دارای اهمیت است.

برخورد صحابه در رویارویی با مسأله جانشینی حضرت علی ع و این‌که خلافت و وصایت بعد از رسول خدا ﷺ از آنچه کسی است؟ باعث ایجاد دو تفکر گردید. بر این اساس، عده‌ای به انتصاب الهی و امامت و خلافت بلافصل ایشان از جانب خداوند معتقد گشتند و به‌عنوان شیعه امیرالمؤمنین ع شناخته شدند. برخی نیز به خلافت انتخابی باورمند گردیدند؛ هرچند انتخاب شکل ثابتی نیافت و انتخاب توسط خلیفه قبلی یا شورا باعث نوعی آشفتگی شده است. عملکرد هر یک از دو دسته یاد شده در دفاع از اهل بیت ع قابل توجه است گرچه بر اساس گزاره‌های نقل‌شده در منابع فریقین، گروه اول سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است.

با توجه به جایگاه صحابه در میان امت اسلامی و نقش‌آفرینی آنان به‌عنوان راویان تعالیم نبوی، بررسی گونه‌های نقش آنان در دفاع از اهل بیت ع رسول خدا ﷺ در دوره یاد شده امری مهم تلقی می‌گردد. از این رو با تکیه بر منابع فریقین، تمرکز پژوهش حاضر بر واکاوی گونه‌های نقش اصحاب در مواجهه با حضرت علی ع است.

در خصوص اقدامات صحابه در دفاع از امیرمؤمنان علیه السلام پایان نامه، رساله یا نوشته مستقلی یافت نشد. پایان نامه کارشناسی ارشد نوشته معصومه کاوند با عنوان «بررسی نقش صحابه در دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام» به راهنمایی دکتر زهرا روح‌اللهی امیری در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام نگاشته شده است و نویسنده با تمرکز بر عصر خلافت امیرمؤمنان علیه السلام ضمن سه فصل، تغییرات عملکرد صحابه تا عصر خلافت حضرت علی علیه السلام و در دوره خلافت ایشان، جریان‌های صحابه در عصر خلافت علوی و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عملکرد صحابه در حکومت امیرمؤمنان علیه السلام را بررسی نموده و تنها در فصل دوم نگاهی کوتاه به نقش فرهنگی مهاجر و انصار در دوره خلافت آن حضرت دارد. سید حجت‌الله موسوی وفا نیز در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «اثبات امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام بر اساس روایات خلافت از منابع عامه» که با راهنمایی استاد محمد عظیمی در سال ۱۳۹۸، در جامعه المصطفی نوشته است، با تکیه بر روایات نبوی، به بررسی خلافت و وصایت حضرت علی علیه السلام پرداخته است. برخی دیگر از منابع نیز به بررسی و نقل فضائل اهل بیت علیهم السلام پرداخته‌اند که رویکرد آنان، اثبات امامت و خلافت بوده است که از این منابع می‌توان به کتاب‌هایی چون «الغدیر» نوشته عبدالحسین امینی، «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری و... اشاره کرد؛ بنابراین منبع مستقلی یافت نشد.

### گونه‌های عملکرد صحابه

#### ۱. تبیین حقانیت امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام

گونه‌شناسی اقدامات صحابه درباره حقانیت امامت و خلافت نسبت به وجود مقدس حضرت امیر علیه السلام امری روشن است که به موارد آن اشاره می‌شود. برخی از گزارش‌های در این باب، اشاره مستقیم به جریان غدیر دارد و برخی دیگر

منحصر در زمان خاصی نیست که جلوگیری از طولانی شدن، برخی از گزارش‌ها بیان می‌شود. این گزارش‌ها که نقطه کانونی آن به حقانیت خلافت و امامت حضرت علی علیه السلام اختصاص دارد، از صحابه‌ای همچون امیرمؤمنان علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، عمار، صعصعه، مالک بن تیهان، ثابت بن قیس، جندب بن عبدالله و صخر بن حرب بیان شده است.

اعتقاد امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت خود، امری است که در منابع متعددی بازتاب داشته و در مکان‌های مختلفی، این مطلب را بازگو کرده‌اند. در کوفه، هنگامی که خوارج با آن حضرت مواجه شدند، امیرالمؤمنین علیه السلام به جایگاه وصایت خود و اعتقاد آنان به خوبی اشاره کردند و فرمودند:

اما در [جواب] سخن شما که من وصی بودم و وصیت را تباه کردم، خداوند می‌فرماید: و برای خدا، بر [عهده] مردم است حج خانه کعبه، هر کس که بدان راهی بیاید و هر کس که کفر ورزد، [بداند] که خدا از جهانیان بی‌نیاز است. به نظر شما اگر هیچ‌کس قصد این خانه را نکند، خانه کافر می‌شود؟ [پی‌تردید آنان کافر می‌شوند، نه خانه]. همچنین شما چون مرا رها کردید، کافر شدید، نه من با وانهادن شما. (یعقوبی، بی‌تا: ۱۹۲/۲)

در این گزارش، حضرت علی علیه السلام ضمن بیان جایگاه خویش به‌عنوان امام، ترک ایشان توسط خوارج را خسران بزرگی برشمردند و این ضرر را به آنان گوشزد کردند. در گزارشی که مشابه آنچه نقل شد، طبری علاوه بر سخن فوق از حضرت علی علیه السلام که آن حضرت ضمن تصریح بر نصب خود، امام را به منزله کعبه معرفی کردند که باید مردم به سمت آن آمده و از او بهره‌مند شوند. (طبری، ۱۴۱۵ق: ۳۹۴)

۱. «وَأَمَّا قَوْلِكُمْ إِنِّي كُنْتُ وَصِيًّا فَضَيَعْتُ الْوَصِيَّةَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) أَفَرَأَيْتُمْ هَذَا الْبَيْتَ لَوْلَمْ يَحْجِجْ إِلَيْهِ أَحَدٌ كَانَ الْبَيْتُ يَكْفُرُ إِنَّ هَذَا الْبَيْتَ لَوْتَرَكَهُ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا كَفَرُوا أَنْتُمْ كَفَرْتُمْ بِتَرْكِكُمْ إِيَّايَ لَا أَنَا كَفَرْتُ بِتَرْكِي لَكُمْ.»
۲. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ نَصَبَهُ لَهُمْ عُلَمَاءُ وَكَذَلِكَ نَصَبَنِي عُلَمَاءُ، حَيْثُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ بِمَنْزِلَةِ الْكَعْبَةِ يُؤْتَى إِلَيْهَا وَلَا تَأْتِي.»

استدلال صحابه و فهم آنان از حدیث غدیر بسیار مهم بوده و حائز اهمیت است. اهمیت جریان غدیر با توجه به حضور تعداد زیاد صحابه و استدلال آنان به این جریان، حکایت‌گر رخداد مهم تاریخی است که توجه به آن از بعد اعتقادی و تاریخی مهم تلقی می‌شود. امیرالمؤمنین حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از جمله صحابه‌ای است که به حدیث غدیر استناد کرده و فهم آن حضرت برای ما به‌عنوان برترین صحابه، دارای اهمیت فراوانی است.

در بازگشت امیر مؤمنان از صفین، در نامه‌ای که نوشتند، ضمن تصریح بر جایگاه خویش بر منصب جانشینی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اشاره به غدیر، احقیقت خویش را بازگو کردند:

این، امری بسیار شگفت است. از ولایت هیچ یک از خودشان به‌اندازه ولایت من اکره نداشتند. آنان احتجاج مرا با ابوبکر می‌شنیدند که می‌گفتم: ای گروه قریش! من از شما به این کار سزاوارترم. در میان شما کسی نیست که قرآن را بخواند و سنت را بداند و به دین واقعی خدا پایبند باشد. حجتم این است که من ولی این امرم و نه قریش. سرپرستی و ولایت این امت، از آن اوست و پس از ایشان، آنچه از آن اوست، برای من است. هر برتری‌ای که قریش به خاطر پیامبر بر امت داشته باشد، به همان سبب، بنی‌هاشم بر قریش دارد و من هم بر بنی‌هاشم دارم؛ چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر خم فرمود هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست. <sup>۱</sup>(ابن طاووس، ۱۳۷۵:

(۲۴۵)

۱. «إِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ عَجِيبٌ، وَ لَمْ يَكُونُوا لَوْلَايَةِ أَحَدٍ مِنْهُمْ أَكْرَهَ مِنْهُمْ لَوْلَايَتِي، كَانُوا يَسْمَعُونَ وَ أَنَا أَحَاجُ أَبَا بَكْرٍ وَ أَقُولُ: يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ أَنَا أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْكُمْ مَا كَانَ مِنْكُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَ يَعْرِفُ السُّنَّةَ وَ يَدِينُ بِدِينِ اللَّهِ الْحَقِّ وَ إِنَّمَا حُجَّتِي أَنِّي وَلِيُّ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ دُونِ قُرَيْشٍ... فَكَانَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ لَاءَ هَذِهِ الْأُمَّةِ. وَ كَانَ لِي بَعْدَهُ مَا كَانَ لَهُ فَمَا جَازَ لِقُرَيْشٍ مِنْ فَضْلِهَا عَلَيْهَا بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَازَ لِبَنِي هَاشِمٍ عَلَيَّ قُرَيْشٍ، وَ جَازَ لِي عَلَيَّ بَنِي هَاشِمٍ بِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ» إِلَّا أَنْ تَدْعِيَ قُرَيْشٌ فَضْلَهَا عَلَى الْعَرَبِ بَغَيْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَإِنْ شَاءُوا فَلْيَقُولُوا ذَلِكَ.»

در گزارشی، هنگام عزیمت حضرت امیر علیه السلام به شام و رویارویی با معاویه، در کوفه خطبه خوانده و با بیان فضائل خود به حقانیت خویش بر منصب امامت و خلافت تأکید کرد:

از معاویه بن ابی سفیان عجب است که بر سر خلافت با من می‌جنگد و امامت مرا انکار می‌کند و می‌پندارد که از من بدان سزاوارتر است؛ [و این] تنها از سر گستاخی بر خدا و پیامبر اوست، بی‌آنکه حق و حجتی در آن داشته باشد. نه مهاجران با او بیعت کردند و نه انصار و نه مسلمانان تسلیم او هستند. معاویه و یارانش به چه خیال در بیعت من خدشه می‌کنند؟ چرا به بیعتم وفا نکردند، در حالی که من در خویشاوندی [با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] و سابقه [در اسلام] و دامادی [ایشان]، از پیشینیان خود به خلافت سزاوارترم. آیا گفته پیامبر خدا را در روز غدیر برای ولایت و دوستی من نشنیدید؟<sup>۱</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۶۲/۱)

در این گزارش، حضرت علی علیه السلام با بیان فضائل خویش و با استناد به غدیر به جایگاه امامت و خلافت به‌خوبی اشاره کردند.

وجود مقدس حضرت زهرا علیه السلام به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ اسلام و مدافع حق حضرت امیر علیه السلام به شمار می‌روند. خطبه‌ها و دیگر اقدامات حضرت زهرا علیه السلام، بهترین گواه بر این مسأله است. عدم بیعت با خلیفه وقت و قهر و روی‌گردانی ایشان از خلیفه تا لحظه شهادت، (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۱۱۲۶/۳) وصیت به دفن شبانه (دینوری، ۱۳۹۳: ۳۰۰/۱) و...، همگی دلیلی روشن بر عدم قبول خلافت ابوبکر و اعتقاد به خلافت

۱. فَالْعَجَبُ مِنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ يَنَازِعُنِي الْخِلَافَةَ وَيَجْحَدُنِي الْإِمَامَةَ وَيُرْعِمُ أَنَّهُ أَحَقُّ بِهَا مِنِّي جُرْأَةً مِنْهُ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ بَعِيرٌ حَقٌّ لَهُ فِيهَا وَلَا حُجَّةَ لِمَنْ يَتَّبِعُهُ عَلَيْهَا الْمُهَاجِرُونَ وَلَا سَلَمَ لَهُ الْأَنْصَارُ وَالْمُسْلِمُونَ... فَمَا بَالُ مُعَاوِيَةَ وَأَصْحَابِهِ طَاعِينَ فِي بَيْعَتِي وَلَمْ يَفْعُوا بِهَا لِي وَأَنَا فِي قُرَابَتِي وَسَابِقَتِي صِهْرِي أَوْلَى بِالْأَمْرِ مِمَّنْ تَقَدَّمَ نِي أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي وِلَايَتِي وَمَوْلَاتِي.

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است. بر پایه تحقیق انجام شده، آن حضرت سه مرتبه این امر را یادآور شدند.

پس از غصب فدک توسط جریان بر روی کار آمده، حضرت زهرا علیها السلام ضمن خطاب قرار دادن مهاجران و انصار و بهانه آوردن آنان مبنی بر اینکه اگر سخنان شما را می‌شنیدیم، از امیرالمؤمنین علیه السلام روی گردان نمی‌شدیم و با ابوبکر بیعت نمی‌کردیم، آن حضرت فرمود:

وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا. (صدوق، ۱۳۶۲: ۱/۱۷۳)

آیا پدرم در روز غدیر، عذری برای کسی باقی گذاشت؟

در گزارشی دیگر که سلسله سند آن از فاطمه دختر امام رضا علیه السلام به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌رسد و به حدیث فواطم مشهور و معروف است، حضرت زهرا علیها السلام، ضمن یادآوری حدیث غدیر و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، با استناد به این واقعه، در صدد اثبات حقانیت حضرت علی علیه السلام بوده است. (مدینی، ۱۴۰۶: ۱/۱۰۲)

## ۲. استدلال به خلافت حضرت علی علیه السلام در مقابل دیگران

گونه دیگری از اقدامات اعتقادی - فرهنگی صحابه، استدلال به خلافت حضرت علی علیه السلام در مقابل دیگران است. در این بخش، گزارش‌های متعددی در این رابطه بیان خواهد شد.

امام حسین علیه السلام در کربلا، پس از رویارویی با سپاه امویان، ضمن معرفی خود و بیان برتری نیاکان خویش، با برشمردن فضائل حضرت علی علیه السلام، خطاب به جمع حاضر در روز عاشورا چنین فرمود:

من پسر دختر پیغمبر شما نیستم؟ آیا من فرزند وصی و پسرعموی

پیام‌آور شما و نخستین مؤمنان به خدا و تصدیق‌کننده به آئینی که از طرف

خدا آورده، نیستم؟ (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۹۷؛ طبری، بی تا: ۳/۲۱۹)

۱. أَلَسْتُ ابْنِ بَنِي نَبِيِّكُمْ وَابْنِ وَصِيِّهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَأَوَّلِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُصَدِّقِ لِرَسُولِ اللَّهِ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ.

عمار بن یاسر، صحابه وفادار رسول خدا ﷺ، از کسانی است که با ابوبکر بیعت نکرد و از جمله مخالفان بیعت، از او یاد شده است. (یعقوبی، بی تا: ۱۲۴/۲) در روایت امام صادق علیه السلام، عمار از جمله کسانی است که در مسیر خلافت و وصایت امیرمؤمنان علیه السلام، در مقابل دیگران سخنرانی کرد و اعتراض خویش را بیان و اعتقاد خود را بازگو کرده است. اعتقاد راسخ عمار به جایگاه اهل بیت علیهم السلام رسول خدا ﷺ، در این سخنرانی او به روشنی مشخص است. او در ابتدا با مخاطب قرار دادن قریش و مسلمانان با عبارت «یا معاشر قریش و یا معاشر مسلمین»، سخنش را آغاز و سپس بیان داشت:

اگر نمی دانید، بدانید که اهل بیت علیهم السلام پیامبران به کار خلافت سزاوارتر و به ارث او شایسته تر و به امور دین شما از همه مقدم تر می باشند و آنان امین و حافظ حقوق امت او و خیر خواه مسلمانان هستند. از او بخواهید که حق را به اهل آن واگذارد پیش از آنکه اجتماع شما پریشان و مضطرب شده و تفرق و اختلاف در میانتان پدیدار گردد و کارهای زندگی تان رو به سستی و ضعف برود و میانتان فتنه و آشوب عظیم برپا شود، [تا] باهم نسازید و اختلاف کنید [که در این هنگام] دشمنان در [بین] شما به طمع بیافتند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۱/ ۷۵-۸۰)

عمار در ادامه، با بیان جایگاه بنی هاشم نسبت به جانشینی رسول خدا ﷺ و اینکه حضرت علی علیه السلام به امر خلافت، بهترین است، چنین گفت:

علی نزدیک ترین شما به پیامبران بوده و او در بین شما، بعد از خداوند و فرستاده اش، سرپرست شماست. (همان)

### ۳. بیان جایگاه هدایت گری حضرت علی علیه السلام

بر پایه گزارش های متعدد در منابع فریقین، حضرت علی علیه السلام هدایت شده و هدایت گر معرفی شده است. این گزارش از رسول خدا ﷺ (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۸۷-

۱. وَ عَلِيٌّ أَقْرَبُ مِنْكُمْ إِلَى نَبِيِّكُمْ وَ هُوَ مِنْ بَيْنِهِمْ وَلِيكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ.



۸۸)، از امیرالمؤمنین علیه السلام از طریق عباد بن عبدالله (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۵۰) و طریق سلیم بن قیس هلالی (هلالی، ۱۴۰۵ق: ۲۵۶-۲۶۰) و طریق اصبع بن نباته، (ابن طاووس، ۱۳۷۵: ۴۸۹) امام حسن مجتبی علیه السلام (خزاز قمی، پیشین: ۱۶۲-۱۶۳) و دیگر صحابه و تابعین و اهل بیت علیهم السلام در منابع شیعه و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طریق امیرالمؤمنین علیه السلام (ابن عساکر، ۱۹۹۵م: ۳۵۹/۴۲) و گزارش عباد بن عبدالله با تصریح حاکم نیشابوری بر صحت سند آن، (نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۱۴۰/۳) طریق ابن عباس، (مقدسی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۹/۱۰) طریق ابی بزره، (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۱/۳۸۶-۳۸۸) طریق ابی هریره و یعلی بن مرة (همان) و دیگران در منابع اهل تسنن نقل کرده‌اند که این جایگاه هدایت‌گری، در استدلال‌های گزارش شده از اهل بیت علیهم السلام و صحابه به‌روشنی دیده می‌شود.

پس از شروع خلافت امیرمؤمنان علیه السلام، آن حضرت به امام حسن علیه السلام دستور دادند که به منبر رفته و برای حاضران که گروه زیادی از قریش نیز حضور داشتند، صحبت کنند. امام مجتبی علیه السلام ضمن حمد ثنای الهی، با اشاره به حدیث دروازه علم نبوی، با یادکرد از پدر بزرگوارشان، راه رسیدن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که درگاه هدایت بشر می‌باشد را از مسیر امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی می‌کند. پس از امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام به دستور پدر بزرگوارشان بر روی منبر رفتند، شروع به سخن کرد و با یادکرد از فضیلت علم بی‌ظنیر پدرشان، خطاب به حاضران چنین فرمودند:

ای گروه مردمان، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: به تحقیق که علی شهر هدایت است، هر کس وارد این دروازه شود، نجات یافته و هر آنکه از ورود به آن رویگردانی کند، هلاک شده است. (صدوق: ۱۳۷۶: ۳۴۴)

در گزارشی دیگر، امام حسن مجتبی علیه السلام، در ضمن خطبه‌ای با یادکرد از جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرمؤمنان علیه السلام را دروازه هدایت معرفی کرد و تبعیت از ایشان را هدایت و مخالفت با حضرتش را گمراهی دانست. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۵۳)

۱. مَعَاشِرَ النَّاسِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَهُوَ يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا مَدِينَةُ هُدًى فَمَنْ دَخَلَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ.

#### ۴. بیان حقانیت حضرت علی علیه السلام در جنگ‌ها

رخ داد سه جنگ در زمان حکومت پنج ساله امیرمؤمنان علیه السلام و رویارویی گروه‌های مختلف با آن حضرت، بخش مهمی از تاریخ اسلام است. جنگ‌افروزی برخی از صحابه در دوران خلافت آن حضرت و مواجهه آنان با خلیفه وقت، از نکات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. محوریت حق برگرد امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ‌هایی که آن حضرت در دوران حکومت خود داشته‌اند، اندیشه‌ای بود که در بین صحابه وجود داشته و در جای‌جای سخنان خود بدان تصریح کرده‌اند. در این بخش، گزارش‌های این سخنان و استدلال‌های صحابه بیان می‌شود.

امام حسن مجتبی علیه السلام که اولین نوه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، در سخنانی ضمن دعوت مردم به امیرالمؤمنین علیه السلام، چنین فرمودند:

ای مردم دعوت امیر خود را پاسخ دهید و نزد برادران خود بروید...  
دعوت ما را بپذیرید و ما را در پیش آمدی که دامن‌گیر ما و شما شده، کمک کنید. (ابن اثیر، بی تا: ۱۲۱/۳)

عملکرد عمار یاسر در جنگ صفین و در دفاع از حضرت علی علیه السلام، حکایت‌گر اعتقاد راسخ اوست. او در جنگ صفین، پس از رویارویی با عمرو بن عاص، شروع به سخن کرد و در ضمن صحبت‌های مفصل مبنی بر برتری گروه حضرت علی علیه السلام، جنگیدن با او را دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانست و تصریح کرد که سپاه مقابل، همان مارقین هستند. (منقری، بی تا: ۲۱۵)

هند بنت ابوامیه بن مغیره، مشهور به امسلمه از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. امسلمه و همسر اولش عبدالله بن عبدالاسد از کسانی بودند که به

۱. أیها الناس أجبوا دعوة أمیرکم فأجبوا دعوتنا وأعینونا علی ما ابتلیتم به وابتلیتم.  
۲. عمار هنگامی که با او درباره جنگ با مسلمانان سخن گفتند، به روشنی به ادعای اسلام آنان تصریح کرد و بیان داشت که آنان مسلمان نشده‌اند تا علیه آنان نجنگم؛ بلکه ادعای اسلام داشته‌اند.

حبشه مهاجرت کردند. (ابن اسحاق، بی‌تا: ۲۴۲/۵) پس از فوت همسرش در اثر جراحت‌های باقی مانده از جنگ احد، خلیفه اول و دوم به خواستگاری او رفتند؛ اما ام‌سلمه قبول نکرد و به همسری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آمد. (شیبانی، ۱۴۱۶ق: ۳۱۳/۶) دفاع ام‌سلمه از جایگاه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و محبت او به اهل بیت نبوی، در گزارش‌های متعددی بیان شده است. دفاع او از حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ در جریان فدک و بیان فضیلت‌های آن حضرت، موجب محرومیت یک‌ساله ام‌سلمه از حقت نسبت به بیت‌المال شد. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴) در گرماگرم جنگ جمل، پس از آنکه عایشه ام‌سلمه را به حضور در سپاه خودش دعوت کرد، ام‌سلمه با یادآوری حدیث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ضمن بر حذر داشتن عایشه، خود نیز در این جنگ شرکت نکرد. (دینوری، ۱۴۱۸ق: ۱/۵۱-۵۲) ام‌سلمه بر اساس روایاتی که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیده بود، رفتن به جنگ را معصیت شمرد و در صورتی که مخالفت با امر خداوند و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نبود، حتماً در جنگ شرکت می‌کرد. (نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۱۲۹/۳) اعتقاد ام‌سلمه بر حقانیت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در جریان جنگ جمل به خوبی مشهود است. او با بیان اینکه طبق تصریح قرآن از خروج منزل منعی دارد؛ اما عزیزترین فرد یعنی فرزندش را در رکاب حضرت روانه جنگ کرد. (طبری، بی‌تا: ۸/۳) این سرسپردگی ام‌سلمه، در نامه‌ای که به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشت نیز به روشنی مشخص است. او پس از نوشتن نامه‌ای به آن حضرت، ضمن خطاب قرار دادن ایشان با لقب «امیرالمؤمنین»، نقشه برپاکندگان جنگ جمل و بهانه آنان برای خون‌خواهی عثمان را معرفی و فرزندش را پا بر رکاب آن حضرت به جنگ فرستاد. (کوفی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۶/۲) اعتقاد ام‌سلمه بر حق بودن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش او به آن حضرت و اعتقاد کاملش به ایشان می‌باشد. (طبرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۹/۲۳)

## ۵. بیان برتر بودن حضرت علی علیه السلام بر دیگران

عقیده برتری امیرمؤمنان علیه السلام بر دیگران، یکی دیگر از گونه‌های دفاع صحابه است. ابو عبدالرحمان، عبدالله بن مسعود، یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که عملکرد او نیز در دفاع از اهل بیت علیهم السلام و امیرمؤمنان علیه السلام در برخی از منابع گزارش شده است. احمد بن حنبل، گزارش عبدالله بن مسعود را چنین نقل کرده است:

ما [صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] در مجالس خود می‌گفتیم که برترین فرد اهل مدینه، علی بن ابی طالب است. (ابن حنبل، بی‌تا)، ۶۰۴/۲؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۵۸/۷)

امام حسن علیه السلام، در جای جای مختلف، از پدر بزرگوار خود، حضرت علی علیه السلام دفاع کرده است. در رویارویی مستقیم آن حضرت با معاویه بن حدیج، امام حسن علیه السلام از حقانیت پدر خود دفاع کردند، چنانچه بلاذری چنین آورده است:

حسن بن علی به غلام خود فرمود: اگر معاویه بن حدیج را ببینی، او را می‌شناسی؟ پاسخ داد: بله. به او گفت: هر زمانی که او را دیدی، به من نشان بده. آن غلام [روزی که] او را در حال خروج از خانه عمرو بن حرث در کوفه بود، دید. به حضرت عرض کردم: همین است. آن حضرت فرمود او را صدا بزن. او را صدا زدم. امام حسن علیه السلام به او فرمود: تو نزد فرزند زن جگرخوار علی را دشنام می‌دهی؟ بدان - به خدا قسم - اگر وارد بر حوض کوثر شوی، در حالی که وارد نمی‌شوی، می‌بینی که منافقین را از ساقی آن دور می‌کنند. (بلاذری، بی‌تا: ۳۷۹/۱؛ ثقفی، ۱۳۵۳: ۲۸۵/۱)

۱. عن علقمة عن عبدالله قال كنا نتحدث ان أفضل أهل المدينة علي بن أبي طالب، ابن حجر عسقلانی پس از نقل این روایت می‌نویسد: رجاله موثقون.

۲. المدائنی عن قیس بن الربیع، عن بدر بن الخلیل عن مولی للحسن بن علی إنه قال: أتعرّف معاویة بن حدیج إذا رأیته؟ قال: نعم، فاریبه إذا لقیته، فرآه خارجاً من دار عمرو بن حرث بالكوفة، فقال: هو هذا. فقال له: ادعه، فدعاه، فقال له الحسن: أنت الشاتم علیاً عند ابن أكلة الأكباد، أما والله لئن وردت الحوض - ولن ترد - لترینه مشمراً عن ساقیه یذود عنه المنافقین.

در این گزارش، امام حسن علیه السلام با تائید ضمنی حقانیت پدر بزرگوار خود، رویارویی مستقیمی با معاویه بن حدیج داشته‌اند.

بصیرت افزایی شخصی در رویارویی ابوذر با دیگران، در راستای شناخت و معرفی حضرت علی علیه السلام، یکی از عملکردهای او در مسیر حقانیت آن حضرت می‌باشد. معاویه بن ثعلبه در گزارشی، ورود فردی بر ابوذر و بیان فضائل حضرت علی علیه السلام توسط او را چنین بیان کرده است:

معاویه بن ثعلبه نقل می‌کند: روزی ابوذر در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که مردی بر او وارد شد. به ابوذر عرض کرد: بهترین شخص نزد خودت را به من معرفی کن. می‌دانم که بهترین فرد نزد تو، بهترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. ابوذر گفت: قسم به خدای کعبه که چنین است. بهترین فرد نزد من، همان فرد بهترین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و آن فرد، همان فرد سن و سال دار است. [در این هنگام بود که ابوذر] با دست خود به علی اشاره کرد، در حالی که جلوی او نمازگزار بود. (خلال، ۱۴۱۰: ۲/۳۴۴)

در گزارشی دیگر، معاویه بن ثعلبه، وصیت ابوذر به حضرت علی علیه السلام را که در اواخر عمر او بوده است را چنین گزارش کرده است:

داود بن ابی عوف می‌گوید: معاویه بن ثعلبه به من گفت: آیا می‌خواهی حدیثی برایت بگویم که امر برای تو اشتباه نشود؟ گفتم آری. معاویه گفت: ابوذر مریض بود که به علی علیه السلام وصیت کرد. برخی از کسانی که نزد او برای عیادتش آمده بودند، گفتند: اگر به امیرالمؤمنین عمر وصیت کنی، بهتر است تا به علی علیه السلام. ابوذر پاسخ داد: به خدا قسم، به امیرالمؤمنینی که واقعاً امیرالمؤمنین است وصیت کردم. به خدا قسم، او بهاری است که آرامش می‌بخشد و اگر از او جدا شوی، از مردم و زمین جدا شده‌اید. معاویه می‌گوید: به او عرض کردم: ای اباذر، ما می‌دانیم که بهترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بهترین فرد نزد توست. گفت: آری، چنین است. گفتم پس کدام یک [از صحابه] نزد تو

بهترین [فرد] است؟ گفت: این فرد سن و سال دارِ مظلومی که حقش را با ستم از او گرفتند، یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.<sup>۱</sup>

## ۶. اول مسلمان بودن حضرت علی علیه السلام

گزارش‌های اول مسلمان بودن حضرت علی علیه السلام، به‌وفور در منابع متعدد شیعه و سنی دیده می‌شود. در این بین، برخی از صحابه، با کاربست این فضیلت، در مقابل افراد متعددی از حضرت علی علیه السلام دفاع کرده‌اند. امام حسن مجتبی علیه السلام با یادآوری جایگاه حضرت علی علیه السلام و فضائل ایشان، در حضور معاویه و دیگران چنین فرمود:

پدرم نخستین کسی بود که دعوت خدا و پیام‌آورش را پذیرفت و نخستین کسی است که ایمان آورد و خدا و پیغمبرش را تصدیق کرد. (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۶۱)

آن حضرت همچنین در ابتدای همان خطبه نیز به اول مسلمان بودن پدرشان اشاره کردند. (همان)

افتخار به امیر مؤمنان علیه السلام و دفاع از آن حضرت در جمع‌های مختلف، یکی دیگر از نکات مهمی است که در زندگی امام حسین علیه السلام وجود دارد. این اعتقاد و دفاع از پدر بزرگوارشان تا جایی مهم است که آن حضرت در گرماگرم جنگ نیز به این مسأله استدلال کرد و در رویارویی با سپاه اموی، به اول مسلمان بودن پدرشان و وصایت و اول مسلمان بودن آن حضرت تصریح کردند. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۹۷/۲؛ طبری، بی تا: ۳/۳۱۹)

۱. داوُدُ بْنُ أَبِي عَوْفٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ تَعْلَبَةَ اللَّيْثِيُّ قَالَ: أَلَا أُحَدِّثُكَ بِحَدِيثٍ لَمْ يَخْتَلِطْ قُلْتُ بَلَى قَالَ مَرِضَ أَبُو ذَرٍّ فَأَوْصَى إِلَى عَلِيٍّ علیه السلام فَقَالَ فَقَالَ بَعْضُ مَنْ يَعُودُهُ لَوْ أُوصِيَتْ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَمَرَ كَانَ أَجْمَلَ لَوْصِيَتِكَ مِنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ أُوصِيَتْ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَلرَّبِيعُ الَّذِي يَسْكُنُ إِلَيْهِ وَلَوْ قَدْ فَارَقَكُمْ لَقَدْ أَتَكْرَمْتُمُ النَّاسَ وَأَتَكْرَمْتُمُ الْأَرْضَ قَالَ قُلْتُ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ أَحَبَّهُمْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ قَالَ أَجَلٌ فَلَمَّا فَأَيُّهُمْ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ هَذَا الشَّيْخُ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَّهَدُ حَقُّهُ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام.

ابن طاووس، اليقين باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنين، ص ۱۴۳.

۲. فَكَانَ أَبِي علیه السلام (أَوَّلَ مَنْ اسْتَجَابَ لِلَّهِ تَعَالَى)، وَلِرَسُولِهِ ﷺ (وَأَوَّلَ مَنْ آمَنَ وَصَدَّقَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ).

امام حسین علیه السلام، منبع علوم پدرشان که سرچشمه از علوم نبوی است را گوشزد کردند و به جریان برتری پدرشان بر دیگران در جریان ازدواجشان با حضرت زهرا علیها السلام و آقایی آن حضرت، چنین فرمود:

آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به فاطمه علیها السلام فرمود: شوهر تو، بهترین یاران من، پیش‌ترینشان در اسلام آوردن، بزرگ‌ترینشان در بردباری و دانشمندترین آنان است و او را بر جعفر و حمزه برتری بخشید؟ گفتند: به خدا آری.<sup>۱</sup> (هلالی، ۱۴۰۵: ۲/۷۹۲)

در رخداد کربلا، امام حسین علیه السلام در برابر سپاه یزید با معرفی خود و بیان پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ خود و بیان برتری آنان، خطاب به سپاهیان چنین فرمود:

شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا علی علیه السلام، نخستین آنان (مسلمانان) در اسلام آوردن و داناترین و بردبارترین آن‌ها و ولی هر مرد و زن مسلمان نیست؟ گفتند: آری.<sup>۲</sup> (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۵۸)

در خطبه‌ای دیگر، امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا با خطاب قرار دادن سپاهیان مقابل و معرفی کامل خود، در قسمتی از معرفی خویش، چنین فرمود:

آیا من فرزند دختر پیامبران و فرزند وصی و پسرعمویش، اولین ایمان آورنده به خدا و تصدیق‌گر پیامبرش در آنچه از نزد پروردگارش آورده است، نیستم.<sup>۳</sup> (طبری، بی‌تا: ۳/۳۱۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۳/۳۸۱)

شخصیت مهم و کلیدی ابن عباس و جایگاه وی در بین صحابه حائز اهمیت تلقی می‌شود. هرچند برخی از مواضع ابن عباس در طول تاریخ در باب رویارویی

---

۱. أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضَّلَهُ عَلَى جَعْفَرٍ وَحَمْزَةَ حِينَ قَالَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ زَوْجُكَ خَيْرُ أَهْلِ بَيْتِي أَقْدَمَهُمْ سِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا قَالُوا اللَّهُمَّ تَعَمَّ.  
۲. قَالَ فَأَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ أَوْلَهُمْ إِسْلَامًا وَأَعْلَمَهُمْ عِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَأَنَّهُ وَلي كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ قَالُوا اللَّهُمَّ تَعَمَّ.  
۳. أَلَسْتُ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَابْنِ وَصِيِّهِ وَابْنِ عَمِّهِ، وَأَوْلِ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ وَالْمُصَدِّقِ لِرَسُولِهِ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّي؟

او در حقانیت اهل بیت علیهم السلام با ابهام مواجه است؛ اما برخی از عملکرد او، شایسته تحسین است که به علت فراوانی گزارش‌ها، برخی از گزارش‌ها بیان می‌شود. در گزارشی، ابن عباس، در کوران حوادث بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فتنه‌هایی که رخ می‌دهد، مردم را به تبعیت از امیرمؤمنان علیه السلام دعوت می‌کرد، چنانچه دمشقی به سند خود آورده است:

به‌زودی فتنه‌ای بر پا می‌شود. هر کس آن را دریافت، به دو چیز توجه کند: کتاب خدا و علی بن ابی طالب علیه السلام؛ چرا که شنیدم پیامبر خدا، در حالی که دست علی را گرفته بود، فرمود: این فرد، نخستین کسی است که به من ایمان آورده و دست در دست من نهاده است.<sup>۱</sup> (ابن عساکر، ۱۹۹۵م: ۴۲/۴۲)

---

۱. عن ابن عباس قال ستكون فتنة فمن أدركها منكم فعليه بخصلتين كتاب الله وعلی بن أبي طالب فإنی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول وهو اخذ بيد علی هذا أول من امن بی وأول من یصافحنی.



## نتیجه‌گیری

از رهاورد مطالب یاد شده، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. برخی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر تبیین جریان‌های بعد از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از هر گونه تلاشی فروگذاری نکردند.
۲. بیان اینکه امامت و خلافت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حق حضرت علی علیه السلام می‌باشد، با توجه به اوضاع نابه سامان دوران پسانبوی، امری سخت و مشکل به نظر می‌رسد اما دسته‌ای از صحابه اعتقاد خود را در این باب بیان کرده و بر این سخن و اعتقاد خود، استدلال می‌کردند.
۳. استدلال به خلافت حضرت علی علیه السلام در مقابل دیگران و دفاع از حق آن حضرت، از جمله مهم‌ترین عملکردهای قابل توجه برخی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.
۴. اعتقاد به حقانیت و برتری امیرمؤمنان علیه السلام در تمامی جنگ‌ها و همچنین استدلال به اطاعت مطلق از آن حضرت، نمونه‌ای دیگر از اعتقاد عملی صحابه می‌باشد.
۵. جانشینی امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام و نیز بیان این اعتقاد توسط برخی از صحابه، در برخی از گزارش‌ها وجود داشته که این مسأله نیز دارای اهمیت فراوانی در بیان مسیر استمرار امامت بعد از آن حضرت داشت است.

## منابع و مآخذ

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد. (بی تا)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳، [بی جا]: [بی نا].
۲. ابن اسحاق، محمد بن اسحاق. (بی تا)، *سیرة ابن اسحاق*، محمد حمید اللہ، [بی جا]، معهد الدراسات والأبحاث للتعریف.
۳. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق)، *کتاب الفتوح*، مصحح علی شیری، چ ۱، بیروت: دارالأضواء.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳)، *الخصال*، علی اکبر غفاری، چ ۱، قم: جامعه مدرسین.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، *الأمالی*، چ ۶، تهران: کتابچی.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (بی تا)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، مصحح: محب الدین الخطیب، بیروت: دارالمعرفة.
۷. \_\_\_\_\_ (بی تا)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، ج ۲، محب الدین الخطیب، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد. (بی تا)، *فضائل الصحابة*، ج ۲، [بی جا]: [بی نا].
۹. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۵)، *کشف المحجة لثمره المهجة*، مصحح: محمد حسون، چ ۲، قم: [بی نا].
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، *الیقین باختصاص مولانا علی ۷ یامرة المؤمنین*، اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، اول، قم: دارالکتاب، ۱۴۱۳.
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۹۹۵م)، *تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضائلها وتسمیة من حلها من الأمثال*، مصحح: عمر بن غرامة العمری، بیروت: دارالفکر.
۱۲. ابن قتیبہ، عبد اللہ بن مسلم. (۱۳۹۳)، *تأویل مختلف الحدیث*، مصحح: محمد زهری النجار، بیروت: دارالنجیل.

۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق)، *الإمامة والسياسة*، مصحح: خليل المنصور، بيروت: دارالكتب العلمية.
۱۴. بخاری، محمد بن إسماعيل. (۱۴۰۷ق)، *الجامع الصحيح المختصر او صحيح البخارى*، مصطفى ديب البغا، ج ۳، بيروت: دار ابن كثير.
۱۵. بلاذري، أحمد بن يحيى. (بي تا)، *أنساب الأشراف*، [بي جا]: [بي نا].
۱۶. ثقفى، ابراهيم بن محمد. (۱۳۵۳)، *الغارات*، مصحح: جلال الدين حسيني ارموى، تهران: انجمن آثار ملي.
۱۷. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق)، *المستدرک على الصحيحين*، مصحح: مصطفى عبدالقادر عطا، ج ۱، بيروت: دارالكتب العلمية.
۱۸. حسكاني، عبيدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، ترجمه: محمدباقر محمودى، ج ۱، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
۱۹. خزاز رازى، على بن محمد. (۱۴۰۱ق)، *كفاية الأثر فى النصّ على الأئمة الإثنى عشر*، مصحح: عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم: بيدار.
۲۰. خلال، احمد بن محمد. (۱۴۱۰ق)، *السنة*، مصحح: عطية الزهرانى، ج ۱، رياض: دارالراية.
۲۱. ذهبى، محمد بن أحمد. (۱۴۱۳ق)، *سير أعلام النبلاء*، شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوسى، ج ۹، بيروت: مؤسسة الرسالة.
۲۲. سليم بن قيس هلالى. (۱۴۰۵ق)، *اسرار آل محمد*: ترجمه كتاب سليم بن قيس *الهلالى*، ترجمه: محمد انصارى زنجانى خوئينى، ج ۱، قم: الهادى.
۲۳. شيبانى، أحمد بن محمد. (۱۴۱۶ق)، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، أحمد شاکر، حمزة الزين، ج ۱، [قم]: دار الحديث.
۲۴. طبرانى، سليمان بن احمد. (۱۴۰۴ق)، *المعجم الكبير*، حمدى بن عبدالمجيد السلفى، ج ۲، موصل: مكتبة الزهراء.
۲۵. طبرسى، احمد بن على. (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج على أهل اللجاج*، محمدباقر خراسان، ج ۱، مشهد: نشر مرتضى.
۲۶. طبرى آملی، محمد بن جرير. (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، ج ۱، قم: بعثت.

۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، **المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب** علی، احمد محمودی، چ ۱، قم: کوشانپور.
۲۸. طبری، محمد بن جریر. (بی تا)، **تاریخ الطبری**، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، چ ۱، قم: مؤسسة البعثة.
۳۰. کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق)، **کنز الفوائد**، عبداللہ نعمه، چ ۱، قم: دارالذخائر.
۳۱. مدینی، محمد بن عمر. (۱۴۰۶ق)، **نزهة الحفاظ**، عبدالرضی محمد عبدالمحسن، چ ۱، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
۳۲. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق)، **الإرشاد فی معرفة حجج اللہ علی العباد**، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق. الف)، **الجمال و النصره لسید العترة فی حرب البصرة**، علی میرشریفی، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۴. مقدسی، محمد بن عبدالواحد. (۱۴۱۰ق)، **الأحادیث المختارة**، عبدالملک بن عبداللہ بن دهیش، چ ۱، مکه المکرمة: مکتبة النهضة الحدیثة.
۳۵. نصر بن مزاحم. (بی تا)، **وقعة صفین**، بی جا: بی نا.
۳۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (بی تا)، **تاریخ یعقوبی**، بیروت: دار صادر.